

از گوشه و کنار

در گفت‌وگو با ایلنا اعلام شد:

بررسی طرح «تربیت جنسی» در شورای عالی انقلاب فرهنگی



عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اعلام بررسی طرح تربیت جنسی در شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: عموم اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی باید کردند که کشور در زمینه آموزش تربیت جنسی در مدارس دچار خلاصه‌ست. حمیدرضا ضابطی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، درباره ارائه طرح تربیت جنسی در شورای عالی انقلاب فرهنگی که از سوی آموزش و پرورش مطرح شده است، گفت: تاجایی که به یاد دارم این طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد؛ عموم اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی باید کردند که کشور در این زمینه دچار خلاصه‌ست. در واقع کشور چنانچه از لحاظ آموزشی و چه به لحاظ مکتوب خلاصه‌ست در زمینه تربیت جنسی دارد که حتما باید روی آن کار شود. وی ادامه داد: در همه مقاطع از پیش دبستان گرفته تا دبستان و دبیرستان باید روی مساله تربیت جنسی کار کنند. از این رو قرار شد کار گروهی از وزارت خانه‌ها و سازمان‌های مرتبط تشکیل شود تا به طور کامل جدی روی این موضوع کار کنند. فکر نمی‌کنم نتیجه کار این کار گروه به شورا آمده باشد، ولی کلیت بحث راهم قبول دارند. در واقع همه تأیید کردند که باید در این خصوص در سطح کشور کارهای خوبی انجام و همچنین آموزش لازم به فرزندان در مقاطع مختلف داده شود.

رودربات‌ها

به سازمان آتش نشانی



مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از ورود ربات‌های آتش نشانی به سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران تا پایان امسال خبر داد. به گزارش ایسنا، مهدی داوری درباره ورود تجهیزات جدید و مدرن به سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اظهار کرد: به دنبال ورود ربات‌ها به سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران هستیم و می‌توان گفت که تا پایان سال به ربات‌ها مجهز می‌شویم. او بابیان اینکه در دنیا ربات‌ها همچنان به مرحله اطفای دقیق ساختمان‌ها نرسیده‌اند، گفت: ربات‌ها در بخش ارزیابی در دیگر نقاط دنیا نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند، چرا که می‌توانند در بخش ارزیابی و شناسایی مؤثر واقع شوند. مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران زمان ورود ربات‌ها به این سازمان را تا پایان سال جاری اعلام و بیان کرد: تا پایان سال جاری شاهد ورود ربات‌ها به این سازمان خواهیم بود. درباره ربات‌ها نیز در تلاشیم تا حداقل یک دستگاه را تا پایان سال به سازمان آتش نشانی اضافه کنیم. در صورت موفقیت آمیز بودن مأموریت‌ها و اگر متوجه شویم که این فناوری، کارایی مناسبی دارد، در سال‌های آینده حتماً تعداد دیگری اضافه خواهیم کرد.

با ۵۰ هزار معلول و ۶۰۰ ضایعه نخاعی

آمار معلولیت در

سیستان و بلوچستان بالاست

مدیر کل بهزیستی استان سیستان و بلوچستان از آمار بالای ضایعه نخاعی در سیستان و بلوچستان خبر داد. به گزارش ایلنا، محمد رضا سوراوی گفت: در استان حدود ۶۰۰ نفر ضایعه نخاعی، ۵۰ هزار نفر معلول و ۹۰۰ خانواده ۲ معلول و ۲ معلول به بالاداریم. سیلانیه حداقل ۳ میلیارد تومان تجهیزات کمک توان بخشی شامل سمک، باطری سمک، عصا، ساعت مچی و ویژه نابینایان و... خریداری می‌کنیم. جدای از این یک اعتبار محدود داریم برای تأمین بخشی از هزینه‌های درمان مددجویان و قراردادی با بیمه سلامت داریم که بر طبق آن ۱۴ هزار دفتر چه بیمه سلامت به مددجویان ما اعطاشده؛ بات این دفتر چه‌ها مبلغی را سالانه به بیمه سلامت پرداخت می‌کنیم و مددجویان تنها فریب به ۵ درصد هزینه‌ها پرداخت می‌کنند. با این حال برای مددجویانی که برای پرداخت همین مقدار هم مشکل دارند و مراجعه می‌کنند بخشی از این هزینه‌ها را نیز پرداخت می‌کنیم.

در دهه‌های اخیر، رشد جمعیت ایران روند نزولی داشته است و اگر به همین طریق پیش برویم، وضعیت کشور وارد مرحله‌ای بحرانی خواهد شد. بنابراین نیازمند آسیب‌شناسی هستیم تا بتوانیم از دل این آسیب‌ها عوامل مؤثر در بروز این مسئله، راهکار و برنامه ارائه دهیم

برای دستیابی به این امکانات به دلیل ورود فزاینده جرگه‌های عظیمی که وارد بازار کار و مسکن در مناطق شهری می‌شوند کاهش می‌یابد. همچنین نگرش نسبت به ازدواج دستخوش تغییرات شده است به طوری که حتی خانواده‌های سنتی از دواج را دیگر تنها گزینه برای دخترانشان نمی‌دانند. از طرف دیگر مشکل بیکاری باعث بالا رفتن سن ازدواج می‌شود. پیش‌بینی می‌شود میزان بیکاری در بین جمعیت زیاد مردان جوان که بلافاصله پس از انقلاب متولد شدند به علت رقابت شدید در بازار کار افزایش یابد.

طبیعی است که با بالا رفتن سن ازدواج، فرصت باروری نیز کمتر خواهد بود و در نتیجه، منجر به کاهش تعداد فرزندان خواهد شد.

افزایش سطح تحصیلات خصوصاً در زنان، نیز یکی از عواملی است که منجر به بالا رفتن سن ازدواج در نتیجه، کاهش فرزندآوری می‌شود. البته بین بالا رفتن سطح تحصیلات و بالا رفتن سن ازدواج، یک رابطه دوسویه وجود دارد. در دو دهه گذشته، سواد زنان افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و حتی نسبت دختران به پسران در دانشگاه‌ها فزونی گرفته است.

افزایش سطح تحصیلات زنان منجر به افزایش تمایل زنان به حضور در بازار کار شده و میزان اشتغال زنان نسبت به گذشته بیشتر شده است. حضور بیشتر زنان در بیرون از خانه منجر به کاهش تمایل زنان به فرزندآوری شده و در کاهش نرخ فرزندآوری در ایران تأثیرگذار بوده است. در آخر با توجه به شرایط جمعیتی کشور و عواملی که بیان شد، ضروری است که برای حل مسئله کاهش فرزندآوری برنامه‌ریزی صورت گیرد تا این مسئله تبدیل به بحران نشود.

از این رو، هم باید سیاست‌گذاری‌هایی در سطح کلان صورت گیرد و هم فرهنگ‌سازی در سطح خانواده‌ها. دولت باید با اجرای سیاست‌گذاری و تنظیم قوانین امر فرزندآوری را تسهیل کند؛ به نحوی که با وجود تحولات صورت گرفته، زمینه تسهیل فرزندآوری فراهم شده و چالش پیش آمده تبدیل به بحران نشود.

از بچه دارد، حتی نگاهی وجود دارد که بچه را مزاحم لذت بردن از زندگی می‌داند و عنوان می‌کند تحمل سختی‌های فرزندآوری را ندارد.

تأثیر شرایط اقتصادی و فرهنگی در کاهش فرزندآوری

همان‌طور که پیش‌تر به آن اشاره شد، فرزندآوری تابعی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و تغییر نگرش خانواده‌های ایرانی نسبت به این مسئله باعث کاهش فرزندآوری بین زوجین شده است. در جامعه امروزی ما داشتن فرزند کمتر ارزشمندتر از خانواده‌های پر جمعیت است و این تفاوت در شیوه زندگی نسل گذشته و نسل امروزی جهت جمعیت کشور را به سمت پیر بودن نشان می‌دهد. بالا رفتن هزینه‌ها در دنیا امروز باعث شده که خانواده‌ها از پس هزینه‌های چند فرزند بر نیایند و تلاش کنند شرایط و امکانات را برای تنها یک بچه مهیا کنند.

از سوی دیگر یکی از دلایلی که فرزندآوری را سخت می‌کند این است که فرزندان امروزی دستشان در جیب پدر و مادر است و خانواده باید خرج آنان را متقبل شود، در حالی که در گذشته فرزندان به سرعت به عنصری مولد و فعال تبدیل می‌شدند و پدر و مادر برای اینکه بار کمتری بر دوش خود بکشند، اقدام به فرزندآوری می‌کردند و فرزند نیز در کشاورزی، دامداری و... به والدین کمک می‌کرد در صورتی که امروز چنین نیست و بسیاری از فرزندان حتی پس از تشکیل خانواده دادن همچنان وابستگی‌های مالی به خانواده خود دارند.

وضعیت بحرانی کاهش جمعیت

در دهه‌های اخیر، رشد جمعیت ایران روند نزولی داشته است و اگر به همین طریق پیش برویم، وضعیت کشور وارد مرحله‌ای بحرانی خواهد شد. بنابراین نیازمند آسیب‌شناسی هستیم تا بتوانیم از دل این آسیب‌ها و عوامل مؤثر در بروز این مسئله، راهکار و برنامه ارائه دهیم. در مسئله کاهش جمعیت، عوامل متعددی نقش داشته است، اما یقیناً مهم‌ترین نهادی که در حوزه جمعیت نقش دارد نهاد خانواده است؛ پس باید ببینیم که در حوزه خانواده چه تغییراتی رخ داده و چه عواملی منجر به تغییر سبک زندگی خانواده شده که نتیجه آن کاهش فرزندآوری و کاهش جمعیت کشور بوده است.

موضوع دیگری که می‌توانیم به آن اشاره کنیم بالا رفتن سن ازدواج است. در جامعه امروزی ایران، سن ازدواج زنان به دلیل افزایش سطح سوادآموزی آنان همچنان رو به افزایش است. همچنین فشارهای اقتصادی بر زوج‌های تازه ازدواج کرده‌ها می‌شود مبنی بر اینکه قبل از ازدواج باید وام مسکن و مسکن باشند. در حالی که فرصت‌های آنان



در گذشته مردی که هفت پسر داشت در روستا و شهر

وقتی در تهران کسی بچه می‌آورد فهم متفاوتی از بچه دارد، حتی نگاهی وجود دارد که بچه را مزاحم لذت بردن از زندگی می‌کند تحمل سختی‌های فرزندآوری را ندارد

بچه نداشت، پرسیدم که بچه ندارد؟

گفت: «مگر هر کسی ازدواج می‌کند باید بچه داشته باشد؟» در گذشته اگر کسی بچه‌دار نمی‌شد، می‌گفتند که مشکل دارد اما الان بدون فرزند، امری طبیعی است. یکی از ویژگی کلان شهرها این است که افراد در آن کم هستند. اگر شما محل زندگی و آپارتمانان بیرون آمدید، کم هستند. کلان شهر به شهروندان یک نوع آزادی می‌دهد و یک نوع آزادی و هنجار شکنی می‌دهد. اگر شما از محلان خارج شدید، هر هنجار شکنی که خواستید می‌توانید انجام دهید.

به گفته او اشکال جدیدی که از خانواده در ایران به وجود آمده، معنای فرزند را هم به کلی تغییر داده است. در دنیای قدیم، مد زمانه و نحوه اثبات زن بودن به آوردن بچه بود و زن و مرد عقیم، ناقص به حساب می‌آمدند. همچنین فرزند، بخشی از سرمایه و قدرت خانواده بود. در گذشته مردی که هفت پسر داشت در روستا و شهر دارای قدرت بود، اما امروز وقتی در تهران کسی بچه می‌آورد فهم متفاوتی

آن می‌گوید: خانواده خود را با خانواده پدر و مادر تان را با خانواده پدر بزرگ و مادر بزرگتان، پدرم سال‌ها پیش به منزل ما آمد، شب به مهمانی رفتیم و نصف شب برگشتیم، در خیابان‌ها ترافیک بود، پدر من کشاورز و کاسب و دارای ذهنیت و روحیه متفاوتی از ما و یک خانواده پر جمعیت بود، تعجب می‌کردم اینکه مردم تهران در این وقت شب، نخوابیده در خیابان هستند.

به گفته این جامعه‌شناس ما در تهران خانواده‌های جدید متناسب با زیست کلان شهری تشکیل داده‌ایم که با خانواده پدر و پدر بزرگ‌هایمان از اساس به لحاظ ساختارها، قدرت، آرزوها، جهان‌بینی، فرهنگ درون و شیوه چینی اعضای خانواده، متفاوت است.

در گذشته، خانواده شامل پدر، مادر، فرزندان و پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها بود. در مرحله بعد، خانواده کوچک‌تر شد و الان اشکال جدیدی از خانواده در همین کلان شهر به وجود آمده که در ذهن تهرانی‌ها خانواده تلقی می‌شود. برای مثال در تهران سر شماری هانسان می‌دهد که شکل جدیدی از خانواده‌های تک‌عضوی به وجود آمده است. یک خانم تنها و یا یک آقای تنها در آپارتمان مستقل زندگی می‌کنند. این امر در قدیم استثنا بود، اما در شهرهایی مثل تهران این گونه نیست.

محمدی در خصوص تغییرات خانواده در کلان شهرها اضافه می‌کند: این تغییرات اشکال جدیدی از خانواده رابه وجود آورده و مشروع ساخته است. مثل خانواده‌های بدون فرزند. برخی می‌گویند چه لزومی دارد که خانواده حتماً فرزند داشته باشد؟ من پاسخ می‌دهم که صاحب‌کرم که ۱۵ سال ازدواج کرده

همه‌جا قابل مشاهده بود. تا آنجا که شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» روی جعبه‌های دستمال کاغذی، پفک‌نمکی، گوشه‌های دفترها و خلاصه هر جایی که ممکن بود چشم کسی به آن بیافتد، نوشته شده بود.

این طرح از سال‌های میانی دهه ۶۰ در کشور، با تصویب قانون تنظیم خانواده در اوایل دهه ۷۰ تشدید شد. میزان باروری از سال ۱۳۶۴ به تدریج شروع به کاهش کرد. هر چند دولت از سال ۱۳۶۷ سیاست‌های آشکاری را در جهت تعدیل نرخ رشد در پیش گرفت؛ اما باید اذعان کرد سیاست‌های مخفی دولت، از جمله افزایش سطح سواد، توسعه قطار روستایی و گسترش شبکه‌های بهداشتی، در کاهش باروری از نیمه دهه ۶۰ به بعد، تأثیر بسزایی داشته است.

تأثیر شهرنشینی بر کاهش جمعیت

در این میان شهرنشینی هم نقش مؤثری در کاهش فرزندآوری داشته است. به گفته رحیم محمدی، استاد علوم اجتماعی و عضو هیئت علمی دانشگاه، زیست کلان شهری در ایران موجب شده تا اشکال جدیدی از خانواده در این کلان شهرها شکل بگیرد که منجر به کاهش فرزندآوری می‌شود. بر اساس گفته‌های محمدی ایجاد شهرهای مدرن در مرزها اولین تغییرات اجتماعی مهم در ایران معاصر است. در جامعه‌شناسی و علم فرهنگ، کلان شهر؛ نماینده یک فرهنگ و نمود نوعی جهان‌بینی و ظهور انسانی خاص است که در کنار آن با مفاهیمی، چون خانواده کلان شهری نیز مواجه هستیم.

او در خصوص خانواده کلان شهری در مقایسه با خانواده سنتی پیش از



زیبانه جولایی

اگر کمی به دور و اطراف خود نگاه کنیم، زن و شوهرهایی را می‌بینیم که تمایلی به بچه‌دار شدن ندارند یا اگر هم زمانی تصمیم به بچه‌دار شدن بگیرند سال‌ها بعد از ازدواج است. پای صحبت این افراد که بنشینیم متوجه می‌شویم برای این عدم تمایل دلایل متعدد و متفاوتی دارند.

این روزها زندگی کردن و تأمین هزینه‌های شهرنشینی به‌ویژه برای ساکنان کلان شهرها نه تنها راحت نیست، بلکه تبدیل به یک بحران شده است. زن و مرد مجبورند هر روز کار کنند تا بتوانند بخشی از هزینه‌های زندگی را تأمین کنند. در این فضا بچه داشتن می‌تواند باعث شود برخی منابع درآمدی بین برود یا هزینه‌های جدیدی به زندگی اضافه شود؛ اما به این معنا نیست که فرزندآوری ارزش خود را از دست داده است.

ارزش فرزند در میان خانواده‌ها و زنان جامعه ما همچون گذشته به قوت خود باقی است، اما شرایط به گونه‌ای است که امکان تحقق وضعیت مطلوب، برای آنان وجود ندارد. نتیجه این جریان کاهش نرخ فرزندآوری در جامعه ایرانی است. جامعه‌ای که به لحاظ تنوع قومی و فرهنگی در هر سوی خود با تنوع متفاوتی از رشد مواجه است. از فارس و کرد و لر تا عرب و گیلک، امروز شاهد کاهش است که در برخی شهرها به‌زنگ خطر نزدیک شده است.

تلاش برای کاهش فرزندآوری اگر یادتان باشد تا چند سال قبل تبلیغ کاهش فرزندآوری

یادداشت

کاهش حوادث ناشی از کار، وظیفه‌ای قانونی، رسالتی اخلاقی

مهدی زسکوری، رئیس گروه نظارت فنی سازمان تأمین اجتماعی

کاهش حوادث ناشی از کار با هدف صیانت و حفظ سلامت جسمی و روانی نیروی کار، وظیفه‌ای قانونی و رسالتی اخلاقی محسوب می‌شود. در این راستا سازمان تأمین اجتماعی حمایت از بیمه‌شدگان و خانواده‌های آنان را در صورت احراز شرایط قانونی در برابر انواع حوادث و عوارض و آسیب‌های جسمی و روحی (اعم از ناشی یا غیر ناشی از کار) قبول کرده و از بار مشکلاتشان به هنگام بروز حادثه کم می‌کند.

نظر به اهمیت حوادث ناشی از کار موادی از قانون تأمین اجتماعی (مواد ۶۰، ۶۵، ۶۶) به‌طور مستقیم به این دسته از حوادث اختصاص یافته است.

طبق بند «۸» ماده «۲» قانون تأمین اجتماعی، حادثه اتفاقی است پیش‌بینی نشده که تحت تأثیر عامل یا عوامل

خارجی در اثر عمل یا اتفاق ناگهانی رخ می‌دهد و موجب صدماتی بر جسم یا روان بیمه‌شده می‌شود.

به موجب ماده «۶۰» قانون تأمین اجتماعی، «حادثه ناشی از کار حادثه‌ای است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه‌شده اتفاق می‌افتد. مقصود از حین انجام وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه‌شده در کارگاه یا مؤسسات وابسته یا ساختمان‌ها و محوطه آن مشغول کار باشد و یا به دستور کار فرما در خارج از محوطه کارگاه عهده‌دار انجام مأموریتی باشد. اوقات مرأجه به در مانگاه و یا بیمارستان و یا برای معالجات درمانی و توان بخشی اوقات رفت و برگشت بیمه‌شده از منزل به کارگاه جزء اوقات انجام وظیفه محسوب می‌شود مشروط بر اینکه حادثه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد. حادثه‌ای که برای بیمه‌شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه‌شدگان و مساعدت به آنان اتفاق می‌افتد حادثه

اشتغال به کار و عدم دریافت مزد یا حقوق، با رعایت شرایط مقرر استحقاق در یافت غرامت دستمزد ایام بیماری و غرامت نقض عضو را نیز خواهند داشت.

«به موجب ماده یک قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب سال ۵۲ و قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۸۶/۸/۸۶ و ۸۷/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی؛ کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اعم از ایجاد ساختمان یا توسعه ساختمان و یا تجدید بنا و تخریب مربوط به آن چنانچه مشمول مقررات خاص از نظر بیمه و بازنشستگی نباشند، در مقابل حوادث ناشی از کار بیمه خواهند بود.

بنابراین حوادث کلیه مشمولین قوانین مورد اشاره در صورت وجود پروانه ساختمانی معتبر و برگ پرداخت حق بیمه متعلقه قابل بررسی بوده و در صورت انطباق با ماده ۶۰ قانون تأمین اجتماعی و ناشی از کار بودن حادثه، امکان ارائه تعهدات قانونی به این قبیل بیمه‌شدگان و یا در صورت فوت به بازماندگان واجد شرایط آنان برابر قوانین مربوطه مقدور خواهد بود.»